

دکتر یونس جعفری

دهلی - هند

## توضیح

دانشمند استاد جناب آقای وحیدزاده (نسیم) مدیرمجله ارمغان

پس از تقدیم عرض ارادت آرزو مند سلامت آن استاد گرامی می باشم. در شماره ۳ مورخ خرداد ماه ۱۳۵۴ مجله وزین و سودمند ارمغان مقاله جناب آقای دکتر سید محمد علی سجادیه تحت عنوان «یک ریشه در اویدی در زبانهای فارسی و ترکی» را خواندم. ضمن تقدیم صمیمانه ترین تبریکات خدمت شما برای حفظ امانت در انتشار مقاله مزبور به نحو کامل با وجود کسل کنندگی آن از نظر علمی و تاریخی به دکتر سجادیه نیز تبریک میگویم زیرا مشارالیه کماحقه از عهده اظهار مطالب برآمده است.

در حقیقت تاریخ و تمدن در اویدیها موضوعی است بسیار غامض و پیچیده و خیالی چیزهای گفتمی دارد. آنچه تاکنون درباره تمدن این قوم نوشته شده است همه مبنی بر حدس و مشاهده است و تا موقعی که خط مهرهائی که پس از حفاری از بعضی قسمتهای وادی سند کشف شده است خوانده نشود بطور حتمی و علنی نمیتوان چیزی گفت.

مورخین و باستانشناسان معتقدند در دریای مدیترانه نزدیک ساحل آسیای

صغیر جزایری وجود دارد که عبارتند از کرت (Crete) لزب (Lesbos) امبروز (Imbros) تندوز (Tenedos) میلوز (Milos) و غیره که مجموعاً جزائر آگین (Aegean Islands) خوانده میشوند. اهالی این جزائر نه تنها سیاه چرده بودند بلکه موهای فر فری و بینی گود هم داشتند. چون جزیره تندوز از دیگر جزائر مهمتر بود بدین مناسبت در منابع رومی ساکنین این قسمت زمین بطور مجموع ترامیلی‌ها (Termillai) یاد شده‌اند که بعد از مدت‌ها به درامیلی (Dramillai) تبدیلی یافت و کلمه دراویدی (Dravida) صورت تحول و تکامل یافته کلمه درامیلی (Dramillai) است. همچنین تامیل (Tamil) زبان دراویدیها از همین ریشه گرفته شده است.

باید در این جا این نکته را هم اضافه نمود که (لام) در کلمه درامیلی پس از مرور زمان به رای کامی تغییر یافت و چون در بیشتر لهجه‌های هند رای کامی به دال کامی مبدل میگردد بدین سبب این کلمه معمولاً دراوری (به دومین رای-کامی) تلفظ میشود ولی در نوشتن دروادی (به دومین دال کامی) میآید.

هتی‌ها (Hittites) که اصلاً آریائزاد شناخته شده‌اند بر آن قوم از خارج حمله آوردند و زندگی بومیان را بسیار تنگ ساختند و آنها مجبور شدند که زادگاه نیاکان خویش را ترك بگویند. قرن‌ها در حالت خانه بدوشی گذرانده به‌ناچار در حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح از راه دره‌های مرزی شمال غربی شبه قاره هند وارد وادی سند (Sind) شدند. در این قسمت شبه قاره افراد چهار قوم دیگر قبلاً باهم زندگی میکردند. دراویدیها تحت تأثیر آنها قرار گرفته عادات و رسوم شهرنشینان را اختیار نمودند. گروه کثیری از آنها در شهرها و روستاها اقامت گزیدند ولی عده قلیلی هنوز باقی هستند که زندگی بدوی را ادامه می‌دهند. کولیهای ایران (Kullis) و بنجاره‌های هند افرادی از این

قبیل شناخته شده اند .

در اویدیها تمام خطه‌ای را که بین رود سند و گنگ واقع است تحت تسلط خود در آوردند و سرتاسر این ناحیه در ادوار مختلف بناهای هنر شهر کوچک و بزرگ را نهادند که مهمتر از آنها موئن جو دارو (Mohenjodaro ایالت سند پاکستان) و هرپا (Harappa ایالت پنجاب پاکستان) بودند .

کار حفاری شهر موئن جو دارو بوسیله سر جان مارشال (Sir John Marshal) در سنه ۲۱-۱۸۲۰ شروع شد و خیلی چیزهایی که تا کنون درباره زندگی این قوم در اخصای رازمانده بود بروز داده شد .

از بررسی خرابه‌های موئن جو دارو چنین بر می آید که ساکنین این دیار، شهر را به دو قسمت تقسیم کرده بودند . یکی از آنها مخصوص فعالیت‌های ارتشی بود که در آنجا سنگر و بارو و غیره می ساختند و در قسمت دیگر مردم عامه زندگی میکردند . خیابانهای وسیع (در عرض از ۱۳ الی ۳۳/۵ پاهستند) و کوچه‌های پهن (که از ۹ الی ۱۲ پا عرض میباشند) که به فاصله‌های معین دارای میدانهایی هم بوده نشان میدهد که اهالی این وادی درباره شهرسازی کاملا مطلع بودند و کوچه و بازارها را طوری ساخته بودند که وقتی باد میوزید تمام گرد و خاک را همراه خود میبرد .

یکی از مشخصات تمدن وادی سند مجاری فاضل آب میباشد . مجاریها را در هر دو طرف کوچه و خیابان با گچ و سنگ میساختند و آنها را سرپوشیده نگه میداشتند تا گرد و خاک در آنها نریزد و موجب آلودگی هوا نیز نگردد. بیرون هر خانه متصل به دهانه مجرای آب حوضچه‌یی می کنند یا در آنجا کوزه شبکی میگذاشتند تا آب خانه که قدری هم گل آلود بود در این حوضچه یا کوزه جمع شود و هر چه گل ولای داشت ته نشین گردد و بقیه آبهای آلوده و کثیف در

فاضلاب بزرگ شهر روان میگردید. همچنین برای خروج آب باران از شهر مجاریهای پهن و عریضی ساخته بودند که بعضی از آنها  $2/5$  پا الی  $5$  پا عرض داشتند.

خانه‌هایی که در این محل کشف شده است همه از آجر ساخته شده‌اند. بعضیها يك اطاقی هستند و برخی دارای چند اطاق میباشند. همچنین از دیدن پلکان چنان بر میآید که آنها نه تنها منزل مسکونی يك طبقه ای داشتند بلکه اکثر دو طبقه و گاهی بیشتر از آن هم میساختند. همچنین بعضی از سالونها که در مساحت  $220 \times 115$  پا میباشد به چشم میخورد. در هر خانه برای آفتاب و جریان هوا پنجره‌ها و سوراخهایی تعبیه شده بود. درها که عموماً در طول  $7$  پا و در عرض  $3$  پا بودند معمولاً به سمت کوچک‌ها باز میشدند در خانه مجهز به آشپزخانه و حمام بود. برای دسترسی بآب چاهی در نزدیکی آشپزخانه و حمام بود. برای دسترسی بآب چاهی در نزدیکی آشپزخانه می‌کنند. از وجود حمام در هر خانه چنان بر میآید که ساکنین وادی سند نسبت به شست و شوی بدن و پاکی و نظافت علاقه خاصی داشتند. علاوه بر این در شهر حوضی هم وجود داشت که به ابعاد  $29 \times 23$  و بعمق  $8$  پا بود. این حوض را از آب چاهی که نزدیکش ساخته بودند پر میکردند. دورادور این حوض پله‌هایی بوده و برای خروج فاضل آب هم مجرایبی ساخته بودند. چنان بنظر میرسد از این حوض در روزهای متبرکه و اعیاد استفاده می‌شد.

از خاک برداری خرابه‌های موئن جو دارو چنان بر میآید که مردم وادی سند فلزاتی مانند نقره، طلا، مس، سرب، روی و برنز و غیره در دست داشتند. از زیورآلات نقره و طلا مرد وزن هر دو استفاده می‌نمودند. از مس، روی، برنز و سرب نه تنها ظروف بلکه آلات جنگی نیز میساختند. سنگهای گران قیمت و

همچنین عاج، صدف و استخوانهای بعضی از حیوانات هم برای تزیین بکار می‌رفت. بعضی زیور آلات برنزی و رویی هم بدست آمده است که گمان می‌رود آنها مورد پسند مردم فقیر بوده است. زیود آلاتشان مشتمل بود بر انگشتر، النگو، گردن بند و طوق گردن.

از دیدن مجسمه‌ها چنان به نظر می‌رسد که زنها موهایشان را و مردان ریششان را به انواع مختلف تزیین و آرایش می‌دادند. اگرچه لباس آن عهد بر مسا پوشیده است ولی از نگاه کردن پیکرهای خدایان و انسانها پی می‌بریم که آنها لباس پشمی و پنبه‌ای هر دو را بکار می‌برند و دور بدنشان چادری می‌پیچیدند.

اکثر مردم شهرهای موئن جو دارو و هرپادر غذا گندم جو لبنیات گوشت و ماهی و بعضی سبزیها را مصرف می‌نمودند.

پس از کشاورزی شغل عمده آنها تجارت بود. بازرگانان کالای خود را از راه زمینی و دریائی برای تمام کشورهای خلیج فارس، بین النهرین، بابل و مصر می‌فرستادند. آنها معمولا پارچه‌های پنبه‌ای، سنگهای گران بها، عاج و غله صادر می‌نمودند و فلزاتی مثل مس، سرب، روی و غیره وارد می‌نمودند. وسائل نقلیه دریائی و زمینی شان کشتی و گاری بود. گاوهای نر (آخته) این گاریها را می‌کشیدند.

کشاورزان برای مصرف داخلی و تجارتی گندم، جو و پنبه می‌کاشتند دامپروران گاو، گاو میش، بز، شتر، خوک و غیره را نگه می‌داشتند. حیوانات وحشی مانند میمون، خرس، خرگوش، پلنگ، کمرگدن نزدشان احترام خاصی داشتند.

اهالی وادی سند معمولا بت پرست بودند و به چندین اله والهه اعتقاد داشتند. اکثر آنها شیو (Shiva) را پیروی می‌نمودند. باید در این جا این نکته را

هم توضیح نمود که معنای کلمه شیو به زبان تامیل رنگ سرخ آمده است و چون رنگ پوست صورت در او دیها سرخ مائل بسپاهی میباشد بدین سبب آنها صورت خدایشان را با این رنگ آرایش میکردند. این مردم چنین عقیده داشتند که آب تمام دریاها زهر آلود بوده. شیو همه اقیانوسها را بهم زد و زهر آنها را خورد و بدین جهت رنگ گردن وی نیلگون گردید.

از وادی سند تقریباً ۵۰۰ مهر کشف شده است. میان آنها مهری است که در آن مردی که روی سرش دوشاخ قرار دارد چهارزانو نشسته است. آلت تناسلی این مرد به حالت ایستاده نشان داده شده است. صورت وی سرخ و در اطرافش حیواناتی مثل شیر، فیل، گوزن و گاو میش جمع شده اند. باستانشناسان معتقدند که این نقش، پیکر شیو است که لقبش پشو پتی (Pashu Pati) یعنی پرورش کننده حیوانات) میباشد. چون آنها وسیله آفرینش را آلت تناسلی زن و مرد میدانستند بدین سبب آنها را جداگانه از یک پارچه سنگ ساخته به نحوی که آلت تناسلی مرد روی آلت تناسلی زن قرار داشته باشد. و چنین سنگی را از آن زمان تا کنون پرستش میکنند. مجموعاً تمام این دستگاه را شیو لنگ (Shiva Linga) مینامند. علاوه بر این آنها از شیو لنگ بعضی نیمه خدایان، درخت پپیل (درختی است گرمسیری که برگش شبیه قلب میباشد) فاخته، پلنگ، بز، نهنگ، کرگدن، مار و غیره را هم می پرستیدند و مرده ها را طبق مراسم دینی خود میسوزاندند و یا دفن میکردند.

تقریباً ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تمدن در او دیها به اوج خود رسیده بود. آنها مردانی بودند آرام و خواستار آرامش چون زراعت وسیله تجارت بود و آن در داخل و خارج کشور رونق تمام یافته بود بدین سبب به جنگ و جدال علاقه ای نشان نمی دادند. علاوه بر این آنها درباره آهن و فولاد نیز اطلاعی نداشتند و آلات جنگی خود را که مشتمل بر تبر، نیزه، خنجر، تیر، گرز و کمان

بود از جنس روی و برنز می ساختند و بطور مجموع بزم آرائی و محافل رقص و سرود را برجنگ و نبرد ترجیح می دادند.

زمانی که تمدن دراویدیها به حد کمال رسید حتی ها (آریانزادان) که دشمن قدیم شان بودند يك بار ديگر بر سرشان هجوم آوردند. حتی ها که در آن روزگار زندگی بدوی را می گذرانیدند و هنوز روستائین بودند بر دراویدیها برتری داشتند زیرا که آنها از استعمال آهن و فولاد با خبر بودند و اسلحه دفاعی خود از قبیل شمشیر، خود، سپر و زره و غیره را بآن ساخته در جنگ و نبرد بکار می بردند. و نسبت به ورزشهایی مانند اسب دوانی، ارا به کشی و کشتی گیری علاقه فراوانی نشان می دادند.

از استخوان های هیکل انسانها که روی پلکان و زیر نردبانهای خانه های موئن جودارو به دست آمده است چنین استنباط می شود که آنها (دراویدیها) بدون انتظار دوچار حمله شدند و بآنها فرصت و مهلتی داده نشد که بتوانند از خود دفاع کنند یا از محل اقامت خود به جاهای دیگری فرار کنند.

رگ وید (Rig Veda) کتاب مقدس آریانزادان محسوب می شود. در این صحیفه دراویدیها به اسم داس و داسیوز (Dasyus) یاد شده اند. زبان شناسان معتقدند که در فارسی باستان این واژه به صورت «داه» آمده و بمعنای دشمن بکار رفته است. چون طبق اصل زبان شناسی «های هوز» فارسی در زبان سانسکریت به «سین مهمله» مبدل می گردد بدین سبب این کلمه نه تنها در سانسکریت بلکه در سایر زبان های هند تا کنون داس تلفظ می شده و از این مفهوم خدمتگزار گرفته می شود.

حتی ها به دراویدیها چندین مرتبه حمله بردند و چون دراویدیها در فن جنگ - جوئی و نبرد آزمائی از آنها عقب تر بودند به ناچار شکست می خوردند. فانهین اسم منطقه مفتوحه را آریه ورت (Arya Varta زمین آریائیان) گذاشتند. و

جز کاسبین (که آنها را برای خدمتگزاری نگهداشته بودند) همه پرستندگان شیو لنگ را نجس دانسته از مملکت خود که آن را مقدس می‌پنداشتند بیرون کردند. دراودیاها از وادی سند گریخته در جنوب هند پناهنده شدند و تاکنون در آنجا بسر می‌برند. اکثریت شاف در ایالاتی مثل آندرا پردیش (Andhra Pradesh) تامیل نادو (Tamil Nadu) میسور (Mysore) و کرالا (Kerala) زندگی می‌کنند. (باید گفت واژه کالا در شهر کراچی و ایالت کراله هم آمده است). این نکته را هم باید اضافه نمود که جمعیت مختصری از آنها تاکنون در بلوچستان نزد محلی به نام براهوئی (Barahui) باقی مانده‌اند و به لهجه‌ای که شبیه زبان تامیل است تکلم می‌نمایند.

همچنین ابلهائی از قبیل گوند و بیل (Gond & Bhil) که حالا زندگی بدوی را می‌گذرانند بر اساس زبان، دراودی شناخته شده‌اند. تا عهد انگلیسیها در هند وضع زندگی این مردم در قسمت شمالی کشور بسیار اسفناک بود آنها مجبور بودند که به‌پست‌ترین طرز زندگی خود را ادامه بدهند. مهاتما گاندی پدر باعظمت ملت هند اولین کسی بود که برای بهتر ساختن زندگی‌شان اقدام نمود. پس از استقلال دولت هند برنامه مفصلی برای پیشرفت-شان پی‌ریزی کرد. اینک در تمام شئون زندگی حقوق آنها رعایت می‌شود. امید می‌رود که آنها بزودی دوشادوش سایر افراد هند به سیر تکامل و ترقی کشور کمک نمایند.

آنچه در فوق اشاره شد از مجموعه برداشت‌ها و مطالعات شخصی این جانب است که در طول مدت درازی جمع‌آوری گردیده و به دلیل جنگی و اختلافات دو کشور هند و پاکستان امکان تحقیق بیشتر میسر نگردید. امید است در آتیهِ نزدیک راهی پیدا شود.